

آقا سید و جلسه هم اندیشی فوتبال

صبح شنبه دلگیر و افسرده از برخی از سیاسیون زدم بیرون تا نفسی چاق کنم و با قدم زدن بخشی از ناراحتی های خود را به دست فراموشی بسپارم.

با خود فکر می کردم چرا برخی از سیاسیون تا به موفقیتی دست پیدا می کنند دلشان می خواهد در اطراف ورزش و فوتبال آفتابی بشوند و به نحوی خود را طرفدار و دلباخته تمام عیار آن نشان بدهند؟ با خود می گفتم این آقایان سیاسی اگر بتوانند وظایف تعریف شده خود را به نحو احسن انجام بدهند کار بزرگ و شاقی را انجام داده و نیاز به ورود عریان و بدون مقدمه آنها به ورزش و فوتبال و اظهار نظر های آنچنانی نبوده و نیست .

به خود می گفتم نمی دانم چرا رسم غلطی بر برخی از امور جاری در کشور ما مرسوم شده است که تا کسی را حکمی و یا موقعیتی به دست می آید یک شبه همه فن حریف می شود و از کوچکترین تا کلان ترین مسئله کارشناس خبره شده و اظهار نظر در هر موردی را حق بلامنازع خود می داند.

فکر می کردم بهتر خواهد بود که سیاسیون تو فوتبال رخنه نکنند و اجازه بدهند خود ورزشی ها و به قول برخی از حضرات ، فوتبالی ها به امور آن برسند و با ورود خود و اظهار نظر های آنچنانی هرج و مرج در فوتبال را به ارمغان نیاورند.

خبرهای جلسه هم اندیشی فوتبال اردبیل را در ذهن مرور می کردم و از خود سوال می نمودم چطور برخی از آقایان مدعی و قاشق هر آش مثلا یکی مثل من را که عمرم را در راه فوتبال و خبرنگاری از آن سپری کرده ام فوتبالی قبول ندارند و یا آن پیشکشوت فوتبال را که 99 درصد جامعه قبولش دارند فردی به روز نمی دانند می آیند با کسانی بر سر میز هم اندیشی می نشینند که نه فوتبال را می شناسند و نه با آن آشنایی دارند و نه می توانند در مورد آن اظهار نظر بکنند. راستی در پشت پرده اینگونه رفتارها چه اهدافی نهفته است؟

غرق در این اندیشه بودم که آقا سید عزیز را دیدم به طرفش رفتم گفتم حرف زدن با او می تواند تا حدودی در تسکین آلام درونی من

موثر بیفتد. خود را به وی رساندم و خوش و بشی کردم. متاسفانه او را هم سر حال نیافتم ، گفتم آ سید چی شده ؟ چرا پکری؟

بدون معطلی گفت : ای بر خرمگس معرکه لعنت، تو هم وقت پیدا کردی ، این وقت روز اینجا چه کار می کنی تا من را ببینی و چون گنه به من به چسبی و ولم نکنی. برو بگذار حرف نزنم. می دانی حرف حق خریدار ندارد باید چاپلوس ، خود کامه و استاد ماله کشیدن باشی تا قرب و منزلتی پیدا بکنی و برای گوش کردن حرفات کسی را بیابی . آخر عمری من نمی توانم دستمال یزدی به دست بگیرم و برای رسیدن به هدف به دنبال برخی ها راه بیفتم و میدان داری بکنم.

آ سید که دل پری داشت گفت: با شروع به کار نمایندگان مردم در مجلس بوی کباب به مشام برخی ها خورده است و تلاش بر آن دارند که با به راه انداختن سورچرانی و بساط خود شیرینی همچنان سایه خود بر ورزش و رشته های مختلف را مستدام نگاه دارند و با پنهان شدن در زیر نام و لوای آنها دفتر و دستکی را تصاحب بکنند.

از همان اول کار عده ای از هواداران و وابستگان به نمایندگان به فکر تعیین مدیر و رئیس افتاده اند و هر کس و هر هواداری بزعم خود برای هر موقعیتی یک مدیر انتخاب کرده و آنچنان با قیافه حق به جانب حرف می زنند که انسان شک می کند ، نکند اینها خودشان به مجلس راه یافته اند؟ در این میان، هواداران حتی به مسئولان هیات ها نیز رحم نمی کنند و هر کس و هر فردی در تدارک به کرسی نشانندن فرد مورد نظر هستند و این یعنی آفتی بزرگ برای ورزش .

در دنیای ورزش هستند افرادی که به هر قیمت و به هر وسیله ای در تب و تابند که خود را حفظ بکنند و تحت هر شرایطی به دیگران اجازه حرف زدن و ابراز وجود ندهند. همین هایی که در همه حال می خواهند خود را بر ورزش و فوتبال تحمیل کنند و دست از آن نکشند و از اینکه تحت حمایت قرار گرفته و تازگی ها حرفشان به ظاهر خریدار پیدا کرده کیکشون خروس می خونه ولی نمی دانند که بزودی چون گذشته مشتشان باز خواهد شد و قصد و هدفشان برملا و هویدا می شود.

گفتم آ سید خیلی عصبانی هستی .مقداری آرام باش ، دلت به حال زن و بچه ات بسوزه ، از صبح تا شب اگر بخواهی به همین نحو ادامه بدهی سخته کردنت حتمیه، صبر پیشه کن و مطمئن باش که روبه صفتان و کارشناس نماهای مغرض و تو خالی رسوای عام و خاص خواهند شد، تو مواظب خودت باش.

حرفم را قطع کرد و در حالی که رنگش عین لبو شده بود گفت: شنیدی که می گویند در جلسه به اصطلاح هم اندیشی فوتبال رئیس سابق هیات فوتبال مدعی شده است که آیناز غیایی بعنوان بهترین مربی پایه کشور انتخاب شده است. راستی کجا این خانم بعنوان مربی برتر پایه در کشور معرفی شده است؟ مگر نه این است که کانون مربیان کشور جمال پیله ور را در بزرگسالان و آقایان را در فوتبال پایه و این خانم را در فوتبال بانوان در سطح استان برتر معرفی کرده است؟ پس چه لزومی دارد فردی حرفی را وارونه جلوه بدهد و استان را کشور و فوتبال بانوان را فوتبال پایه به خورد مردم و نمایندگان مردم و رئیس شورای سلامی شهر بدهد و آنگاه آن آقایانی که ادعای طرفداری از حق ، بزرگ مردی در فوتبال استان و مدعی هدایت فوتبال و تیم های استان هستند این حرف ها را بشنوند و دم فرو بندند و حرفی نزنند.

آخر این پست و مقام چه ارزشی دارد که ما بخواهیم با وارونه جلوه دادن واقعیت ها برای خود موقعیت ایجاد نمائیم.

کدام سند و مدرکی انتخاب این خانم را به عنوان برترین مربی کشور معرفی کرده است؟ آیا اینها و اینگونه ادعاها ناراحت کننده نیست. اگر در آن جلسه تعدادی از کارشناسان کار درست و سالم حضور داشته باشند کسی جرئت می کرد که چنین ادعائی بکند؟

او سپس با حرارت بیشتر گفت: آیا این چنین گزارش های نادرست به مسئولین غیر فوتبالی و نا آشنا به فوتبال توهین به شعور مردم نیست؟ اگر این خانم بهترین مربی تیم های پایه کشور است باید که الان لشگری از بانوان در فوتبال کشور از این استان حضور می داشتند. خنده دار نیست در سطح استانی که حتی قادر به برگزاری لیگ فوتبال و فوتسال بانوان نیست مریش برترین مربی کشور باشد؟ چه کسانی باید در مقابل این گزارش های دروغ ایستادگی نمایند و اجازه ندهند به شعور مردم توهین بشود؟

همچنان گرم صحبت بودیم که خود را در مقابل مسجد سرچشمه دیدیم . آسید گفت برویم و در فضای معنوی مجلس گرامیداشت شهدای پانزده خرداد قرار بگیریم و فاتحه ای به ارواح بلند و ملکوتی آنها بخوانیم تا در فرصت بعدی به بحث ادامه بدهیم.